

## دو جنبش برای شکل دادن به دو آینده! آذر مدرسی صفحه ۲

## پشت پرده "گروه ویژه اقدام مالی"

فواد عبدللهی

یکی از موضوعاتی که در شرایط پسابرجام به عنوان "مهمترین" فاکتور عدم همکاری بانک ها و موسسات مالی خارجی با ایران مرتب مطرح شده، عدم الحاق ایران به کنوانسیون های مربوط به پولشویی و مبارزه با تامین مالی تروریسم بخصوص "گروه ویژه اقدام مالی" بوده است.

نشست این گروه از روز یکشنبه در پاریس برگزار شده است و یکی از موضوعات این نشست ارزیابی از پیشرفت جمهوری اسلامی در اجرای استانداردهای این سازمان و تصمیم گیری در مورد ماندن یا خارج شدن نام ایران از فهرست سیاه آن خواهد بود. مجلس رژیم اسلامی در همین راستا بدو لایحه الحاق ایران به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم، را به تصویب رسانده است. این لایحه گرچه "نرمش قهرمانانه" دیگری از خامنه ای و تایید ضمنی وی را با خود دارد اما در خود مجلس از طرف جناح اصولگرا جبهه پایداری، با مخالفت های تندی روبرو شد. مصادیقی که "گروه ویژه اقدام مالی"، برای تروریسم تعریف کرده است سازمانها و باندهای اسلامی معروف به "محور مقاومت"، مانند حزب الله لبنان که مورد حمایت مالی جمهوری اسلامی و از متحدین منطقه ای آن به شمار می آیند را شامل میشود. ص ۴

## در گرامیداشت انقلاب اکتبر!

جهان امروز تشنه انقلاب کارگری  
دیگری است؛ ایران میتواند  
سرچشمه سیلاب آن باشد!  
حزب حکمتیست (خط رسمی)



را متولد کند! امروز، و در جهانی که آن خدای مشرف به مرگ و آسیب دیده، بیش از یک صدسال است که نه تنها خود را بازسازی که به مراتب جنایتکارتر، فربه تر، سودجوتر، حریص تر و مخرب تر در سراسر جهان اقتدار انگلی اش را تحکیم کرده است و جهانی را به لبه پرتگاه نابودی و تخریب، جنگ و ناامنی کشانده است، جهان بیش از پیش به انقلاب کارگری دیگری نیاز دارد...

تعیین میکرد، خارج کند و بر بارگاه این خدای مطلق سود و سودآوری، به بهای تباهی میلیاردها نفر در سراسر جهان، لطمات چنان عظیمی بزند که هنوز و با وجود شکست آن انقلاب، از تکرار نام آن هم رعشه مرگ بر اندام این خدا می نشینند! اگر انقلاب در روسیه تزاری، با درس آموزی از شکست اولین انقلاب کارگری، کمون، توانست انقلاب کارگری دوم و اولین حکومت کارگری جهان

بیش از یک قرن پیش در دل جنگ جهانی اول، بر متن تحمیل گرسنگی و کشتار میلیونی و تباهی که بورژوازی جهانی بر سر بشریت در سراسر جهان خراب کرده بود، انقلاب اکتبر برای صلح - نان - زمین، توانست ورق را نه تنها در روسیه که در سراسر جهان تماما برگرداند! اگر آن انقلاب توانست سرنوشت بشریت را از زیر سلطه خدای سرمایه، طبقه انگل مخرب و متعفن که مقدرات عالم را

## انقلاب اکتبر و درس هایی برای

### یکصد و یکسال بعد سمیرا افراشته

بزرگترین تحول سوسیالیستی تاریخ بیشتر و بیشتر کند. این در حالی است که طبقه کارگر هنوز نمی تواند پاسخ اجتماعی خود را از چپهای نو بگیرد، در ادبیاتش نمی گنجد و بیش از پیش به دنبال راه حلی "عملی" و "شدنی" برای رهایی خود است. طبقه کارگر امروز همچنان خوب می داند که سلاحش در برابر بورژوازی تماماً مسلط چیست.

صفحه ۳

آموخته، یا بهتر است بگوییم مسخ شده، تا انقلاب اکتبر را، انقلابی که جهان را لرزاند، به زیر سوال بکشد. امروزه، سخن گفتن از انقلاب اکتبر به زعم آنها دمه شده: در حالی که هنوز بر اندام بورژوازی غرب و شرق با نام لنین لرزه می افتد و روزی را بدون تلاش برای تخریب تاریخ سوسیالیسم شب نمی کند، چپ به اصطلاح هزاره ای سعی می کند فاصله اش را با

چپ هزاره سوم، چپی که خود را نفس نفس زنان در میانه نظم نوین جهانی و جنگ های عصر نتولیرالیسم رسانده و از هر سو مورد حمله قرار گرفته، چپی که هزار راه نرفته را کشف می کند و در اولین گامهایش از نفس می افتد تا عرصه را به بورژوازی واگذارد، چپی که گذشته اش را انکار می کند، نفی می کند و با چاقوی کند تزه های هر روزی به جان خودش می افتد، چپی شده است که

آزادی  
برابری  
حکومت کارگری

## دو جنبش برای شکل دادن به دو آینده!

آذر مدرسی

هفته گذشته کنار اخبار مربوط به ایران دو خبر جلب توجه میکرد.

اعلام تحصن سراسری معلمان که با حمایت سازمانهای کارگری، دانشجویی و بازنشستگان و با استقبال وسیعی در مراکز آموزشی در سرتاسر ایران، روبرو شده است و دیگری درگیری نظامی میان سپاه و نیروهای حزب دمکرات کردستان ایران در پاوه!

وقایعی که حضور دو گرایش، دو نیرو را در سیر سرنگونی جمهوری اسلامی نشان میدهد. نیروهایی که ظاهراً نقطه اشتراکشان ضدیت با جمهوری اسلامی است. یکی نیرو و جنبش طبقه کارگر و محرومین برای آزادی، رفاه و امنیت، برای خلاصی از فقر و استبداد و حاکمیت مشتکی بورژوازی انگل، فاسد و مفتخور است و دیگری جنبش نیروهای راست و ارتجاعی برای تبدیل سرنگونی جمهوری اسلامی به سکوی رسیدن به آمال ارتجاعی شان، از احیا سلطنت تا قومی و بیشتر مذهبی کردن ایران! دو جنبش با دو هویت نه فقط متمایز که در تقابل با هم! دو جنبشی که از همین امروز و شاید در همین هفته، تقابل شان با هم را نه فقط در خواستههای امروزشان، که در نوع مبارزه ای که پیش میبرند، در پایگاه قدرت شان، در نوع ضدیشان با جمهوری اسلامی و مهمتر از همه در آینده ای که میخواهند بسازند، نشان میدهند. جنبش طبقه کارگر و

محرومین برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی به قدرت خود و از طریق انقلابی برای در هم شکستن کلیت ماشین سرکوب جمهوری اسلامی، جنبشی که پرچم اش رفاه، سعادت، آزادی، عدالت اجتماعی، حق کودک، برابری زن، برابری همه شهروندان مستقل از تعلقشان به مذهب و قومیت و ملیت، کوتاه کردن دست مذهبی از زندگی مردم و نه به اعدام است. جنبشی وسیع و توده ای که امروز متحد تر از همیشه، متشکل تر از همیشه، خوش بین تر از همیشه بازیگردان اصلی صحنه سیاست در ایران است. جنبشی که خطر و سایه "هراس آور" آن نه فقط بر سر خامنه ای و روحانی و... که بر کل نیروهای بورژوازی و راست خارج از حاکمیت از رضا پهلوی تا مریم رجوی و هجری و مهتدی و... سنگینی میکند. جنبش دیگر، جنبش دست راستی که هویت خود را نه از خیزش دیمه که اتفاقاً علیه و در ضدیت با آن تعریف میکند. جنبشی که قدرت خود را از دست راستی ترین محافظان ارتجاع بین المللی و منطقه ای، شیوخ عربستان و ترامپ، میگیرد. جنبشی برای "تمامیت ارضی"، "احیا سلطنت" یا "ایران قومی و مذهبی" تحت عنوان شیک "ایران فدراتیو" ای که در آن استانهای موجود باید قومی و مذهبی باز تعریف، مرز و دیوارکشی شوند! جنبشی که یک سر آن سناریوی دست بدست کردن قدرت از بالا، بدون دخالت مردم، با پرچم "ایران را پس میگیرم" را دارد و دیگری سناریوی "حق ملت من"، فدرالیسم قومی! هر دو اما آماده خون پاشیدن به مبارزه مردم برای خلاصی از حاکمیت سپاه جمهوری اسلامی اند. جنبشی که وجودش و حضورش را نه در اعتصاب رانندگان کامیون، اعتصاب معلمان، اعتصاب کارگران فولاد و هفت

تپه، اعتراض بازنشستگان و مالباختگان، جنبش حق زن و... که در دلانهای مجلس سنای امریکا و بارگاه شاه عربستان و در "میلیتانت ترین" شکل آن در تحركات نظامی در مرزها میتوان دید. نیروهایی که از امروز نقش ارتجاعی "ارتش آزاد سوریه" را ایفا میکنند. در این یک هفته اعتصاب سراسری رانندگان کامیون، تحصن سراسری معلمان در تهران، شیراز، بلوچستان، کردستان، خوزستان، آذربایجان و... تقابل نظامی نیروهای قومی و سپاه را حاشیه ای کرد. این آن نقطه شعف انگیز و امید بخشی است که مهر خود را بر وقایع هفته گذشته در ایران زد. اگر حضور وسیع و توده ای طبقه کارگر، معلمان و همه محرومین امروز میتواند تقابل نیروهای ارتجاعی، جمهوری اسلامی و نیروهای قومی و راست، را حاشیه ای کند، حضور قدرتمند مردم محروم و طبقه کارگر و حزب کمونیستی آن در سرنگونی جمهوری اسلامی میتواند نه فقط مانع سناریوی سوریه ای شدن ایران از طرف نیروهای قومی و مذهبی، از اوباش سپاه و حزب الهی تا حزب دمکرات کردستان، باند زحمتکشان و جندالله و الاهواز و... باشد که تضمین کند سرنگونی جمهوری اسلامی به مطمئن ترین، کم هزینه ترین و غیرخشونت آمیزترین راه توسط جنبش محرومان، جنبش آزادی و برابری زن و مرد، جنبش ضداستثمار و بهره کشی طبقه کارگر، ممکن شود.

طبقه کارگر و جنبش محرومان برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و دستیابی به آینده ای

### در گرامیداشت انقلاب اکتبر...

جهان امروز بیش از هر زمانی به یک انقلاب کارگری نیاز دارد، که با آموزش از درسهای شکست انقلاب اول و درسهای شکست حاکمیت انقلاب دوم، سوت انقلاب سوم کارگری را، سوت دیگر بس است طبقه کارگر انقلابی، سوت مرگ بر استثمار و بهره کشی انسان از انسان، و سوت زنده با حکومت کارگری دیگری را به صدا درآورد.

امروز صدای عدالتخواهی طبقه کارگر و محرومان جهان، صدای نه گفتن به استثمار و بردگی، این بار از میان کارگران و محرومین در ایران برخاسته است. امروز جامعه انقلاب دیده ایران و صف دهها میلیونی طبقه کارگر، با سمیاتی وسیع به کمونیسم و با داشتن صفی وسیع از کمونیستهای انقلابی، شبح انقلاب کارگری دیگر را بر فراز جامعه ایران به صدا در آورده است.

امروز در ایران با به میدان آمدن طبقه کارگر و جنبش محرومین با پرچم عدالت و آزادی، در جدال با یکی از متعفن ترین نمایندگان خدای سرمایه، روزه امید انقلاب کارگری سوم را نوید بازگذاشته است. طبقه کارگر ایران میتواند و باید با حزب کمونیستی خود جنبش برای "رفاه، آزادی و امنیت" را پرچم آزادی، برابری و حکومت کارگری، پروسه تلاش برای سرنگونی جمهوری اسلامی را به انقلاب کارگری سوم گره بزند. تا سومین حکومت کارگری جهان و برپایی یک نظام سوسیالیستی، نظامی که برای همیشه به استثمار و فقر و بی حقوقی پایان میدهد، را پایه ریزی کند. جهان امروز تشنه انقلاب کارگری دیگری است و ایران میتواند سرچشمه سیلاب آن باشد!

زنده باد انقلاب کارگری

حزب کمونیست کارگری-حکمیست (خط رسمی)

۱۴ اکتبر ۲۰۱۸

مرفه، آزاد، امن، سعادت مند، کمونیستها، طبقه کارگر و مردم آزادیخواه با اعتصاب و تحصن و... و فردا با خلع سلاح نیروهای قومی توسط شوراهای مردمی ممکن میکنیم. حزب حکمیست(خط رسمی) حزب متحد کننده و رهبری کننده این جنبش است. از آن قدرت میگیرد و آنرا برای پیروزی متحد و آماده میکند. نیست. اینرا امروز ما

# زنده باد انقلاب کارگری!

## انقلاب اکتبر و ...

او نه در کتابها و رسانه‌های پرسانسور و سراسر دروغ بورژوازی و نه در مقالات و سخنرانی‌ها و آکسیون‌های رنگارنگ و بی‌دستاورده چپ‌های فضایی هزاره سوم پی‌پاسخ نمی‌گردد. تضادهای رو به رشد سرمایه‌داری، بالاخص در کشورهایی که نیروهای مولده به نهایت رشد خود رسیده‌اند، طبقه کارگر را در جایگاهی قرار داده که برای آگاهی یافتن از تضاد و حتی عناد خود با سرمایه‌داری نیاز چندانی به تطور میان نوشته‌ها و شعارهای تخیلی چپ‌های نو احساس نمی‌کند. امروز به هر کجای جغرافیای انسانی نگاه کنید، صف‌کشی سازمان‌یافته‌ای از کارگران می‌بینید که به نیکی می‌دانند جز زنجیرهایشان چیزی برای از دست دادن ندارند.

نه می‌خواهم بگویم که طبقه کارگر این عصر به شهود خود به خودی و یا، به زبان نقادانه مارکس، به "آگاهی از سر وجدان" رسیده، و نه می‌خواهم بگویم که از سازمان‌یابی متحزب فراری است. برعکس، اعتراضات کارگری با تمام گستردگی‌اش این التزام را فریاد می‌زند که نه تنها مارکس راست می‌گفت که پیروزی نهایی طبقه کارگر - بر خلاف آنچه چپ نو با تمام نیرو انکار می‌کند - در اتحادش در حزب کمونیستی‌اش محقق می‌شود، بلکه کلید آن نه در دست عمامه به سرها و کراواتی‌های سیستم‌های حاکم، بلکه در بازخوانی تاریخ و درس‌های آن است. تاریخی که جهان را لرزاند: انقلاب اکتبر.

## کارگران ایران و درس‌های اکتبری

شرایطی که کارگران ایران امروز تجربه می‌کنند، خیزش و تمایلی به انقلابی نو است. انقلابی که بتواند نویدبخش

تغییر ریشه‌ای نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باشد و به درمادگی و اسارت‌شان پایان دهد. طبقه کارگر ایران تاریخ پر فراز و نشیب مبارزه با نظام‌های گوناگون بورژوازی را پشت سر گذاشته است، هنوز استبداد پادشاهی را به یاد دارد، استبداد دینی را نه تنها در شکل اجتماعی‌اش بلکه در معادلات سرمایه‌داری‌اش تجربه کرده و نیک می‌داند که این نظام استوار بر استثمار طبقاتی اصلاح‌پذیر نیست. به مدد رسانه‌ها از شرایط وحشتناک هم‌طبقه‌ای‌های خود در سراسر جهان باخبر است و امیدی به وعده‌های رنگین آمریکا و عاشقان بورژوازی غرب، از جمع‌های کوچک "فرشگرد" و "فخرآور" گرفته تا شاهزاده پهلوی و مجاهدین خلق و سینه‌چاکان ترامپ، ندارد. اما برای پیروزی چه درس‌هایی می‌تواند بگیرد؟

- **دستیابی به قدرت سیاسی مسیر حرکت انقلاب کارگری را هموار می‌کند:** آنچه نقطه قوت اعتراضات کارگری و دهقانی در هنگامه انقلاب اکتبر بود و برعکس اعتراضات و قیام‌های همعصر در دیگر نقاط دنیا مانسند آلمان، توانست به فروپاشی حکومت تزاری و پیروزی بینجامد، خیز برداشتن سازماندهی شده این قیام‌ها برای کسب قدرت سیاسی بود. طبقه کارگر ایران چنانچه برای کسب قدرت سیاسی برنخیزد، چاره‌ای نخواهد داشت جز اینکه پیاده نظام نیروهای بورژوازی‌ای شود که به صد روش و با امکانات نامحدود هدفی جز به دست گیری قدرت سیاسی و حفظ معادله ستمگر و ستم‌دیده در نظام طبقاتی موجود ندارند.

## طبقه کارگر در رابطه ارگانیک با حزبش خود را

**سازمان می‌دهد:** انقلاب اکتبر محصول قیامی یک‌شبه نبود. اعتراضات کارگری و گره خوردن آنها با دهقانان ناراضی وحدتی نبود که دق الوقت جفت و جور شود و سازماندهی آن نیز نامعلوم و در حال‌های از ابهام و حدس و گمان باشد. حزب بلشویک در دوران سرکوبی کم‌بیدل و گسترده همچنان توانسته بود ارتباط خود را در تمام لایه‌های زیرین کارگری چه در جغرافیای روسیه و چه در خارج از آن به طور ارگانیک حفظ کرده و گسترش دهد.

شاید این یکی از درس‌های بزرگ انقلاب اکتبر است که می‌تواند الگویی عملی برای کارگران و کمونیست‌های طبقه کارگر در ایران باشد که چگونه در دوران سرکوب و ارباب بتوانند رابطه‌ای تنگاتنگ با حیات واقعی طبقه کارگر در محل زندگی و کارش برقرار کنند. هسته‌های کوچک سازماندهی شده در آنچه لنین "شب انقلاب" خواند، به یکدیگر متصل شدند و این مرهون رابطه ارگانیک حزب با طبقه کارگر بود.

- **پیروزی انقلاب لزوماً در گرو کثرت نیست، بلکه سازماندهی است:** حزب بلشویک، همانگونه که از نامش هم پیداست، به لحاظ شمار اعضا و کادرها حزب بزرگی نبود. اما هژمونیک شدن کفتمان حزب در رهبری انقلاب اکتبر مرهون سازماندهی کادرهای مجرب و برنامه ریزی دقیق و ملموس، و رابطه حزب با جنبش‌های اجتماعی و طبقه کارگر بود.

- **اپوزسیون در خارج از کشور می‌تواند تنها با تکیه بر طبقه کارگر انقلاب را تا پیروزی رهبری کند:** ادعاهایی که این روزها سعی بر این دارد

که اپوزسیون خارج از کشور را فشل و بی‌تأثیر جلوه دهد و دائم بر طبل تو خالی "خارج و داخل" بکوبد، واقعیتی را به عمد، و صد البته از سر هراس، کتمان می‌کند که تاریخ‌سازترین انقلاب جهان معاصر به رهبری حزبی رقم خورد که اعضای رهبری‌اش سالیان سال در خارج از روسیه و در تبعید به سر بردند؛ آن هم در زمانی که ارتباطات به اندازه امروز پیشرفته نبود و امکان ارتباطی بین مسافت‌های دور با محدودهای بسیاری همراه بود.

- **برنامه دقیق، گام به گام و عملی رمز سازماندهی انقلابی است:** برنامه‌ای که لنین نه تنها بر پایه تسلطش بر تئوری‌های مارکسیستی، بلکه بر اساس وقوفش به واقعیت در جریان و نیروهای در میدان نوشت و به ترهای آوریل شهرت یافت، مسیر حرکت و سازماندهی انقلابی را سال‌ها پیش از ورود به مرحله انقلابی به روشنی مشخص کرده بود و او و حزبش به اجرای این برنامه مدون تا دستیابی به هدف و پیروزی همت گماشتند. حزب طبقه کارگر نیاز طبقه کارگر را دارد، برنامه‌اش را مدون کرده و در اختیار طبقه‌اش و کمونیست‌های سازمان‌دهنده‌اش قرار می‌دهد. فعالان کمونیست طبقه کارگر ایران، امروز باید حزبشان را بر اساس چنین برنامه‌ای بشناسند و پلان مسیر را برای کسب پیروزی دنبال کنند.

- **وقت پیروزی اکنون است:** انقلاب اکتبر به ما می‌آموزد که هیچ زمانی مناسبتر از اکنون برای حرکت جهت کسب پیروزی طبقه کارگر نیست. آنچه چپ نوسعی بر اقتناع همگان دارد که انقلاب زمانی باید محقق شود که تک تک کارگران طبقه کارگر (حتی

تک تک مردم) به آگاهی رسیده باشند و آگاهی را در مسیر فرهنگی درونی کرده باشند و منجی‌شان هم از راه برسد، چیزی جز گستردن خماری و وادادگی نیست. آن‌ها آنچه حق طبقه کارگر است، امکان او است و فرصتش برای کسب قدرت، به آیندگانی که نیامده‌اند می‌سیار و لای کتاب و دود کافه‌ها خود را غرق در رویاهای اتویسیایی می‌کند. مارکس حسابش را با این سوسیالیست‌های تخیلی صاف کرده بود و لنین و انقلاب اکتبر به جهان آموخت که وقت همین امروز است. مهم آن است که در وقت مناسب، حزب کمونیستی طبقه کارگر و جنبش‌های درون این طبقه پاسخ مناسب را به نیاز طبقه‌اش بدهد.

## برای رسیدن به جهانی بی‌طبقه و برابر میان‌بری موجود نیست

طبقه کارگر ایران تنها از دی‌ماه ۹۶ نیست که در میدان مبارزه است. راه‌های زیادی را پیموده و مسیرهای بسته بسیاری را با مشت و جان و خون خود گشوده است. طبقه کارگر ایران آموخته که هیچ یک از گرایشات بورژوازی، از سلطنت طلب گرفته تا لیبرال و اصلاح طلب و ملی مذهبی و ناسیونالیست و اسلام‌گرا منافع او را دنبال نمی‌کنند و دغدغه‌شان نه رهایی طبقه کارگر بلکه بهره‌کشی بیشتر برای مرتفع کردن منافع طبقه سرمایه‌دار است.

طبقه کارگر ایران امروز صدایش بلند است و خواست‌های روشن و مشخص و باید بداند برای رسیدن به جامعه‌ای برابر، آزاد، امن و مرفه جز رقم زدن انقلاب اکتبری میان‌بری موجود نیست.

مرک بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

پشت پرده ...

بر این اساس، ایران اگر قرار است از "لیست سیاه" گروه ویژه اقدام مالی خارج شود باید متعهد شود که نه تنها از حمایت این "محور مقاومت" در منطقه دست میکشد، بلکه باید دخل و خرجش را در این زمینه نیز رو کند.

به بیان دیگر، پته تمامی اطلاعات اقتصادی و تراکنش‌های مالی جمهوری اسلامی روی آب می افتد.

آمریکا در پی آن است که فشار و مقابله خود و متحدانش با حضور جمهوری اسلامی در منطقه را با پشتوانه شورای امنیت سازمان ملل "قانونی" کند و به پیش ببرد. "گروه ویژه اقدام مالی" نیز قرار است سرآغاز تحمیل "قانونی" این عقب نشینی به جمهوری اسلامی در خاورمیانه باشد. دعوی جناحهای جمهوری اسلامی حول تصویب لایحه مبارزه با تامین مالی تروریسم نیز روی همین محور "شرایط عقب نشینی جمهوری اسلامی از منطقه" میچرخد.

به طور خلاصه، دعوی امروز بر سر ماندن یا محدود کردن دخالت جمهوری اسلامی در منطقه است. دعوا بر سر یک بدهستان و یک بند و بست دیگر است.

تصویب لایحه مبارزه با تامین مالی تروریسم از طرف اکثریت مجلس و با چراغ سبز خامنه ای، تصویب سه لایحه از لوایح چهارگانه توسط شورای نگهبان، نشان میدهد که اگر جمهوری اسلامی در

دوره تصویب برجام در مقابل کسب امتیاز دخالت رسمی در اوضاع خاورمیانه از داعیه های اتمی خود عقب نشینی کرد، امروز نیز در مقابل امتیاز خروج ایران از "لیست سیاه"، و "لغو بخشی از تحریم ها" ناچار به عقب نشینی از مناطقی از خاورمیانه است.

اما این معامله نقطه ختم بحران درونی جمهوری اسلامی نیست؛ همانگونه که معامله برجام در دوره گذشته نقطه پایان بحران نبود. عقب نشینی از خاورمیانه در قبال امتیاز "لغو تحریم ها"، و داعیه "تمرکز روی اقتصاد و نظم تولید در داخل"، تنها نقطه آغازی برای شکل گیری مجدد بحران درونی جمهوری اسلامی بر بستر معضلات داخلی است.

قدرتمندترین مولفه ای که دینامیسیم تحولات سیاسی در ایران را تاکنون رقم زده است، همان خیزش دیماسه ۹۶ محرومین در سراسر ایران است. مولفه ای که هیئت حاکمه امریکا به خطر آن برای بقاء جمهوری اسلامی واقف است و هشدار میدهد که "اگر پای میز مذاکره نیاید با انقلاب دیگری روبرو خواهید شد!" نفس قدرت این تحرک اجتماعی از پایین بود که کل معادلات در بالا را تا هم اکنون بر هم زده است. همه هرآنچه تحت عنوان "کشایش اقتصادی" و "ایران جزیره آرامش و

ثبات در منطقه" و در افکار عمومی بافته بودند، رشته کرد!

اگر هیولای اقتصاد، نهایتاً عاقبت جمهوری اسلامی را رقم میزند اما خیزش های دیماسه و اشکال متعدد اعتراضات کارگران و توده محرومین در ایران که تا به امروز در جریان است ثابت کرده است که جمهوری اسلامی مشروعیت و توان حکومت کردن بر مردم ایران را از دست داده است.

تصویب آن لوایح و حتی خروج ایران از لیست سیاه نیز کمکی به بقاء این نظام نمی کند. وضع این رژیم در مقابل مردم متوقع و معترضی که هر روز ابعاد اعتراضات شان رادیکالتر میشود، از اینها هم وخیم تر است؛ در یک کلام، جمهوری اسلامی اگر نتواند

سیاست انتظار و دفع وقت در جامعه را بار دیگر تثبیت کند و امکان برآمد و دخالت محرومین و طبقه کارگر در قبال اوضاع آتی را از آنان سلب کند، دیگر جمهوری اسلامی نیست. بنظر همه جناح ها این فرمول بقاء رژیم اسلامی را برای یک دوره دیگر تضمین میکند. اما اوضاع اقتصادی ایران، و جنبش سرنگونی طلبی ای که مستقل از فعل و انفعالات میان جناحهای حکومت رو به رشد و پلاریزاسیون دارد، برای این سناریوی دفع وقت جای زیادی باقی نمیگذارد. در پی هر حلقه تقابل -

سازش جناحها، این مردم و جنبش سرنگونی طلبی است که یک گام به جلو بر میدارد. با هر حلقه، توازن قوا میان مردم و حکومت به زیان کل حکومت تغییر میکند. انتظارات و توقعات جنبشی که برای سرنگونی به راه افتاده است را نمیتوان متوقف کرد.

آرمانهای جنبشی که برای آزادی و برابری در ایران

شکل گرفته است، آنقدر وسیع و فراگیر و رادیکال است که چهارچوب محقر جمهوری اسلامی حتی یک روز هم نمیتواند به آن قالب بزند. این جنبش خطوط زندگی پس از جمهوری اسلامی را ترسیم میکند. ما کمونیستها و طبقه کارگر بازیگران اصلی در صحنه سرنگونی و تعیین سیمای سیاسی آتی ایران خواهیم بود.

نشریه حکمت

حزب حکمتیست (خارسم)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!